



## بررسی تطبیقی معماری و شعر در عصر صفوی بر پایه پیچیدگی‌های سبک شناختی آن

محمد رضا بمانیان<sup>۱</sup>، حیدر جهان‌بخش<sup>۲</sup>، رضا جعفری‌ها<sup>۳\*</sup>، علی دل‌زننده<sup>۴</sup>

۱۳۹۸/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۹/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله :

### چکیده

**بیان مسأله:** بنیادی‌ترین وجه مشترک معماری و شعر، خیال است. این بنیاد مشترک در طول تاریخ سبب ارتباط شگرف و مشترک معماری و ادبیات شده است. در این مقاله ضمن بررسی تغییرات و تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در عصر صفوی، سعی شده تا با یک مقایسه تطبیقی، اثرپذیری و اثرگذاری سبک‌های معماری و شعر بر هم در آن دوره مشخص شود. در این بین، سبک‌شناسی در حوزه‌های معماری و شعر در دوره مورد نظر انجام شد و ویژگی‌ها و اصول منبعث از معماری و شعر بر پایه اصول ساختار دهنده آن‌ها استخراج شد. در ادامه، روند تاریخی و تکاملی دوره صفوی در معماری و شعر بیان شد. در مواردی، بررسی‌ها کمی قبل‌تر از دوره صفویه صورت گرفته، زیرا به نحو بارزی در هنر عصر صفوی اثر گذار بوده و متجلی شده است.

**سوال تحقیق:** ساختار سبکی معماری و شعر در دوره صفویه چگونه است؟ آیا تطبیق سبکی معماری و شعر در عصر صفوی امکان‌پذیر است؟

**اهداف تحقیق:** مقاله حاضر حاصل تحقیق میان رشته‌ای بین دو رشته معماری و ادبیات است که با جست و جو در حوزه‌های عینی هر دو پدیده، در صدد شناسایی حوزه‌های ذهنی حاکم بر عصر صفوی است. تحقیق پیش‌رو به دنبال بررسی تطبیقی معماری و شعر بر اساس سبک‌شناسی آن‌دو در عصر صفوی است.

**روش تحقیق:** روش تحقیق در پژوهش پیش‌رو توصیفی-تحلیلی و رهیافت کلی مقاله کیفی است. راهبرد مقاله در آنجا که به جریان‌های فکری، اجتماعی و ... و اندیشه‌های حاکم بر عصر صفوی می‌پردازد، تفسیری-تاریخی است و آنجا که به بررسی مکاتب هنری شعر و معماری از جریان اندیشه‌ای می‌پردازد، از راهبردی تطبیقی و راهکاری و مقایسه‌ای بهره برده است.

**مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق:** نتایج کلی حاکی از آن است که با عنایت به این مطلب که دو جریان غالب ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک در عصر صفوی وجود داشته است؛ به لحاظ سبک‌شناسی، معماری و شعر در دوره صفوی در دو دسته، یکی در مسیر منظم و تکاملی و نقطه اوج سبک آذری یا عراقی، در پیوند با ایدئولوژی عصر صفوی و بازگشت به هویت ایرانی و دسته دیگر، برگرفته از نگاه مردم به سبک اصفهانی جای می‌گیرند.

**کلمات کلیدی:** معماری، شعر، بررسی تطبیقی، عصر صفوی، سبک‌شناسی

<sup>۱</sup>. استاد گروه معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، ایمیل: Bemanian@modares.ac.ir

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه معماری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ایمیل: H\_jahanbakhsh@pnu.ac.ir

<sup>۳\*</sup>. استادیار معماری، مرکز آموزش عالی فنی و مهندسی بوئین زهرا، بوئین زهرا، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل: Jafariha@bzte.ac.ir

<sup>۴</sup>. دانشجوی دکتری معماری، عضو مرکز خدمات تخصصی هنر و معماری جهاددانشگاهی قزوین، قزوین، ایران، ایمیل: Ali.dellzende@yahoo.com

**۱- مقدمه**

بررسی نسبت میان ادبیات و معماری و یا تأثیر و تأثر متقابل این دو، از مباحث جذاب نظری در تاریخ معماری و ادبیات ایران است. موضوع معماری تصویر است و بازتاب معانی در قالب رنگ و نور و موضوع شعر کلمه (حامل معنا) است. مهم‌ترین وجه مشترک این دو هنر نیز خیال است. آدمی ابتدا سخن گفت و سخن مبنای ارتباط با دیگر اجزاء هستی بوده است. به این واسطه می‌توان شعر را رجحان بر معماری دانست. تاریخ اسلامی به صراحت نشان دهنده بالندگی معماری منوط به رشد شعر و ادبیات نبوده است اما از دیگر سو تأمل در مکاتب مختلف هنری نشان می‌دهد غزل و زبان و شعر و ادب به معماری جلوه دیگری داده است (بلخاری، ۱۳۸۸: ۸۹). به طور کلی می‌توان بیان نمود که در هر دوره تاریخی، سبک‌های شعر و معماری، شباهت‌های عمیقی با یکدیگر داشته‌اند؛ به طوری که می‌توان سبک خراسانی در معماری را متناظر با سبک خراسانی در شعر به حساب آورده سبک رازی را متناظر با سبک دوره سلجوقی، شیوه آذری را با سبک عراقی و سبک معماری اصفهانی را با سبک شعر اصفهانی (هندی) قرین داشت (خاتون آبادی، ۱۳۹۴: ۴۹). این شباهت‌ها به علت روح مشترک و تأثیر اعتقادات و ارزش‌های حاکی در جامعه همواره در شعر و معماری وجود داشته است (طبسی و فاضلی نسب، ۱۳۹۱: ۸۱).

در این مقاله با علم به اینکه دو هنر ادبیات و معماری با هم ارتباط معنایی دارند و از یکدیگر اثر پذیر هستند و از شرایط اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نشأت می‌گیرند، می‌خواهیم در یک برش تاریخی، سبک شعر فارسی و سبک معماری را ضمن در نظر گرفتن ابعاد مختلف، مورد بررسی قرار دهیم تا تقدم و تأخر، اثرپذیری و اثرگذاری سبک‌های هنر و معماری را در آن دوره تاریخی شناسایی و میزان همانندی و ارتباط مشترک آن را بدست آوریم.

به همین منظور عصر صفوی به عنوان دوره تاریخی پژوهش انتخاب گردیده است زیرا این مسأله به نحو بارزی در هنر عصر صفوی متجلی گشته و قابل بررسی

است، چراکه از منظر اندیشمندان، ارتباط تنگاتنگی میان معماری سبک اصفهانی و مکاتب فلسفی و عرفانی این دوره برقرار است (استرلین، ۱۳۷۷: مقدمه). در عصر صفوی، انطباق بسیاری میان معماری و دیدگاه هستی‌شناسانه آن عصر برقرار است. در این دوره به همراه گرایش‌های شیعی، تفکرات عمیق فلسفی، بالندگی یافتند (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۵). عصر صفوی عصر اعتلای هنر و معماری ایران است و در میان ادوار تاریخی، دودمان صفویه با بیش از دو سده حضور، تحولات همه جانبه‌ای را در شئون فرهنگی، هنری و مذهبی جامعه ایران به وجود آورده، که زمینه‌ساز رشد و بلوغ بسیاری از علوم و هنرها بوده است. تجمع شمار زیادی از هنرمندان، مردم، نویسندگان و فرهیختگان دوره صفوی را به دوران مهم علمی، فرهنگی و هنری ایران مبدل ساخته است (زمانی، ۱۳۸۷: ۷۰-۶۹).

**۲- پرسش‌های پژوهش**

ساختار سبکی معماری و شعر در دوره صفویه چگونه است؟

آیا تطبیق سبکی معماری و شعر در عصر صفوی امکان پذیر است؟

**۳- فرضیه تحقیق**

در عصر صفوی جریان‌های فکری و سیاسی شامل حکومت (قدرت) و مردم موجب شده تا سبک‌های مختلف هنری رواج یابد به گونه‌ای که در طی سال‌های عصر صفوی جریان‌های مختلفی حضور و بروز داشته است که می‌توان این مسأله را در آثار مختلف معماری و شعر مورد بررسی تطبیقی قرار داد.

**۴- پیشینه تحقیق**

در پژوهش‌هایی که تاکنون مرتبط با موضوع ساختار معماری و شعر در دوره صفویه صورت گرفته، مورد مستقیمی به رؤیت نرسید؛ البته چند پژوهش با موضوعات نزدیک وجود دارد. یکی مقاله خاتون آبادی با عنوان «مقایسه سبک شناختی معماری مساجد ایرانی و





شعر فارسی» (۱۳۹۴) است. در این پژوهش به دنبال جوابی برای این پرسش بوده که آیا شرایط اجتماعی و فرهنگی در هر برهه‌ی تاریخی تأثیری مشابه بر سبک‌های شعر فارسی و معماری مساجد دارد یا خیر؟ و به نتیجه رسیده که در هر دوره تاریخی، سبک‌های شعر و معماری، شباهت‌های عمیقی با هم دارند. پژوهش دیگر مقاله شایسته‌فر با عنوان «تعامل معماری و شعر فارسی در بناهای عصر تیموری و صفوی» (۱۳۸۸) است که نگارنده با بررسی کتیبه‌های به کار رفته در معماری دوران تیموری و صفوی به این نتیجه رسیده که نوع به کارگیری مضامین مختلف از جمله عرفان و حکمت و مدح و توصیف بنا، معمار و تاریخ ساخت؛ هم راستا با اندیشه‌ها و باورها در جامعه همان زمان بوده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۷۹).

پژوهشی دیگر مقاله کشاورز نوروزپور و کریمی فرد است که با عنوان «تبارشناسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ادبیات داستانی بر معماری شهری با رویکرد تحلیل ساختاری و هرمنوتیک» (۱۳۹۳) است و نتیجه گرفته که بین ادبیات قصه نویسی و معماری ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و این مورد در ادبیات و معماری کهن و مدرن می‌تواند نمود داشته باشد. جودکی عزیری و موسوی حاجی پژوهشی تحت عنوان «پژوهشی در الگوی هشت بهشت در دو حوزه ادبیات و معماری» (۱۳۹۴) انجام دادند که منتج شد به این که اعتقاد به بهشت‌های هشت‌گانه موجب شد تا این الگو که در ادبیات معماری به الگوی نه‌بخشی معروف است، در منابع ادبی و گزارش‌های تاریخی، هشت‌بهشت خوانده شود. پژوهشی دیگر تحت عنوان «نقش ادبیات و فرهنگ ایرانی در معماری باغ‌های هند (مطالعه موردی: بررسی باغ مزار تاج محل بر اساس تئوری داده بنیان)» توسط پیامنی و پاک‌پازکی (۱۳۹۵) انجام شد که نتیجه پژوهش نشان داد به دلیل روابط ایران و هند در طول تاریخ و به ویژه در صفویه و گورکانیان، فرهنگ معماری و ساخت باغ و باغ مزار در هند تحت تأثیر فرهنگ، ادبیات، هنر و معماری ایران قرار گرفته است.

## ۵- روش تحقیق

معماری و ادبیات پدیده‌ای هستند که در بستر زمان شکل می‌گیرند و در آن جاری می‌گردد تا پیامی را از گذشته در قالب مسائل فرهنگی و ... به آیندگان انتقال دهد. لذا در این که معماری و ادبیات امری تاریخی هستند تردیدی وجود ندارد (سامه، ۱۳۹۶: ۵۲). این پژوهش با فرض اینکه در هر دوره تاریخی تأثیر مشابهی از سبک شعر فارسی و معماری وجود دارد، در صدد است با بررسی عناصر مشترک شعر و معماری ایران جریان‌های فکری حاکم در آن بازه تاریخی را تشریح نماید.

هر یک از رشته‌های هنری، عرصه تجلی معیارهای خاص و محدود هستند. تحقیق در زمینه‌های مرتبط، ارتقاء سطح شناخت هنر و مکاتب هنری را به همراه دارد. از این رو به بررسی ارتباط ادبیات و هنر معماری می‌پردازیم. از آنجا که در صدد گسترش رویکرد میان رشته‌ای هستیم این تحقیق بسیار سودمند است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۷). پژوهش‌های میان رشته‌ای پژوهش‌هایی هستند که برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی چندتباری، چند وجهی و ذوابعاد انجام می‌شوند. چنین پرسش‌هایی ماهیتاً همراه با ژرف‌کاوی و جست و جو در حوزه‌های عینی (پدیده) و ذهنی (گزاره) و اندیشه‌ای هستند (نقره‌کار، ۱۳۹۷: ۳۸).

مقاله حاضر حاصل تحقیق میان رشته‌ای بین دو رشته ادبیات و معماری است که با جست و جو در حوزه‌های عینی هر دو پدیده در صدر شناسایی حوزه‌های ذهنی حاکم بر عصر صفوی است. این مقاله در کل رویکردی توصیفی-تحلیلی دارد که به بررسی تطبیقی معماری و شعر در دوره صفویه منتج خواهد شد. دریافت اطلاعات نیز از روش‌های مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته است. رهیافت کلی مقاله کیفی است. راهبرد مقاله آنجا که به جریان‌های فکری، اجتماعی و ... و اندیشه‌ای حاکم بر عصر صفوی می‌پردازد تفسیری-تاریخی است و آنجا که به بررسی مکاتب هنری شعر و معماری از جریان اندیشه‌ای می‌پردازد با راهبردی تطبیقی و راهکاری و مقایسه‌ای بهره برده شده است.

در جدول (۱) ساختار محتوایی پژوهش ارائه گردیده است.

جدول ۱- ساختار محتوایی پژوهش (نگارندگان)

ساختار پژوهش	دیدگاه و رویکرد
<b>سאלوده نظری</b>	مفروضات اصلی مبانی فلسفی بر پایه استنباط عقل فردی و اجماع خبرگان (عقل جمعی و تاریخی)
<b>هدف پژوهشی</b>	بنیادی (توسعه دانش و مبانی) در شناسایی جریان‌های حاکم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و تأثیر آن بر مکتب‌های هنری و معماری
<b>ضرورت پژوهشی</b>	بررسی تاریخی علل پیدایش و رواج مکاتب هنری (شعر و معماری) عصر صفوی متناسب با شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تغییر آن به همراه سبک هنری - تشریح جریان‌های فکری حاکم در بازه‌های مختلف تاریخی عصر صفوی با بررسی عناصر مشترک شعر و معماری و انجام تحقیق میان رشته‌ای در حوزه ادبیات و معماری
<b>رویکرد و روش پژوهش</b>	با عنایت به بررسی تطبیقی معماری و شعر در دوره صفوی، در کل رویکرد تحقیق، توصیفی - تحلیلی و کیفی است که منتج به بررسی تطبیقی می‌گردد. در ضمن از راهبرد تفسیری - تاریخی بهره برده شده است.
<b>موضوع پژوهش</b>	شناسایی سبک‌های عصر صفوی بر پایه جریان‌های فکری، اجتماعی و اندیشه‌ای آن با مقایسه عناصر شعر و معماری با نگاهی تطبیقی است
<b>فرضیه پژوهشی</b>	در عصر صفوی جریان‌های فکری و سیاسی شامل حکومت (قدرت) و مردم موجب شده تا سبک‌های مختلف هنری رواج یابد به گونه‌ای که در طی سال‌های عصر صفوی جریان‌های مختلفی حضور و بروز داشته است که می‌توان این مسأله را در آثار مختلف معماری و شعر مورد بررسی تطبیقی قرار داد.
<b>مدل ساختاری و تدوین نگارش مقاله</b>	روش ماهی: نگارشی منطقی - خطی یا ماهی است و مباحث و یافته‌ها با یکدیگر تفاوت دارد و فهم هر مبحث مستلزم درک بخش قبلی است و برای درک موضوع تدوین شده می‌بایست کل آن را مطالعه کرد.

## ۶- مبانی نظری ۶-۱ عصر صفوی<sup>۲</sup>

پس از فروپاشی حکومت ایلخانی قلمرو ایرانی ایشان در اختیار و تسلط حکومت‌های محلی مستقل قرار گرفت زمانی که شاه اسماعیل - بنیان‌گذار سلطه صفویه - برای کسب قدرت به پا خواست چندین قدرت متکثر در ایران پراکنده و حاکم بود (نوایی و غفاری فرد، ۱۳۸۱: ۳۱). صفویان در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری خورشیدی برابر با ۱۱۳۵-۹۰۷ هجری قمری حدوداً به مدت ۲۲۱ سال بر ایران فرمان‌روایی کردند. آخرین پادشاه صفوی شاه سلطان حسین است که در سال ۱۱۰۱ خورشیدی از افغان‌ها شکست خورد.

تشکیل حکومت مرکزی، نخستین و مهم‌ترین ویژگی این دوران، در قیاس با ادوار گذشته است. ثبات و اقتدار حکومت، امنیت را برای مردم به ارمغان آورد، و به تدریج، کسب و کار رونق یافت و وضع معیشتی مردم سامان گشت.

جدول ۲- تاریخ‌ها و وقایع مهم در عصر صفویه، (نگارندگان)

نام پادشاه	تاریخ سلطنت	مدت سلطنت	وقایع مهم
اسماعیل یکم	۹۰۷-۹۳۰ ق	۲۳ سال	بنیان‌گذاری سلسله صفوی - تشکیل حکومت یکپارچه و ایدئولوژیک صفویه
طهماسب یکم	۹۳۰-۹۸۴ مق	۵۴ سال	انتخاب پایتخت از تبریز به قزوین - پناهنده شدن همایون پادشاه مغولی هند در ایران - ساخت بناهایی چون مسجد و کاخ
اسماعیل دوم	۹۸۴-۹۸۵ مق	۱ سال	
محمد خدابنده	۹۸۵-۹۹۶ مق	۱۰ سال	ساخت بناهایی چون مسجد، کاخ و کاروانسرا
عباس یکم	۹۹۶-۱۰۳۸ مق	۴۲ سال	انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان - ساخت قصرها، مساجد، بازارها، پل‌ها و کاروانسراهای متعدد
صفی	۱۰۳۸-۱۰۵۲ مق	۱۴ سال	
عباس دوم	۱۰۵۲-۱۰۷۷ مق	۲۵ سال	رونق روز افزون هنر معماری و هنرهای دیگر
سلیمان	۱۰۷۷-۱۱۰۵ مق	۲۸ سال	توسعه هنر ها به شیوه گذشته
حسین	۱۱۰۵-۱۱۳۵ مق	۲۰ سال	ایجاد ضعف در سلطنت صفویه



**۶-۲ بررسی اوضاع اعتقادی-سیاسی**

مورخان، عصر صفوی را اغلب دوره شکوه و اقتدار ملی می‌نامند. می‌توان دستاورد تشکیل حکومت صفویه را تکمیل هویت نو و نیرومند در تاریخ سیاسی ایران دانست. پیش از این با حمله و چیرگی مهاجمان ترک و تاتار ساختارها و نظام‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان تخریب و فاجعه انسانی، اجتماعی و فرهنگی در ایران به وجود آمد و نظام متمرکز به سبک ایرانی جای خود را به نظام قبیله‌ای داد. در مدت زمانی اندک ساختار حکومت مهاجمان توسط وزیران ایرانی (سلجوقی و ایلخانی) باز آفرینی شد. با روی کار آمدن ایلخانیان و براندازی خلافت عباسی به فرمان هولاکوخان شرایط نسبی به منظور بازسازی هویت بومی فراهم گردید. حملات تیموریان و تشکیل حکومت‌های ناپایدار بستر مناسبی را برای پیدایش صفویان به وجود آورد. جنبش از شهردار اردبیل آغاز شد و عنصر وحدت ملی و عدالت شیعی به تشکیل حکومت انجامید. در سال ۹۰۵ هجری قمری شاه اسماعیل حکومت صفویه را بنیاد نهاد (فضیلت، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

بدون شک، شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران در قالب یک دولت شیعه اثنی عشری راه باید یکی از مهم‌ترین فصول تاریخی در ایران و اسلام بشمار آورد، زیرا تلاش و مبارزات شیعیان، بیش از ۹ قرن ادامه یافت تا آنکه مذهب شیعه دین رسمی ایران شد (مزاوی، ۱۳۶۸: ۲۸). شناسایی مذهب رسمی شیعه، به مکتب امامت بعدی سیاسی بخشید و در نوزایی حقیقی ایران در مهد شاه عباس اول سهمی بر عهده داشت (استرلین، ۱۳۷۷: ۲۵).

یکی از مهم‌ترین عوامل که زمینه را برای فراگیر شدن تشیع فراهم ساخت تصوف بوده. بسیاری از علمای صفوی با قدرت سیاسی دربار پیوند داشتند، آن‌ها به منظور ارشاد معنوی و ارائه الگو و اسوه‌ی عملی برای پادشاه حضور داشتند (نصر، ۱۳۸۹: ۲۱).

با گسترش تفکر شیعی در ایران و اشاره علائم مذهبی، شخصیت‌های برجسته‌ای چون میرداماد و ملاصدرا تربیت یافتند. به همین خاطر به کمک متفکران و

فیلسوفان این دوره، به تدریج زمینه برای ترکیب و تلفیق مکاتب مختلف تفکر اسلامی در زمینه و یافت تشیع حاصل شد (همان: ۳۳۹) و باعث شد تا الهامات شیعه به وسیله عرفا و فیلسوفان ایرانی بسط یابد، معنویت والای این متألهین، بخشی بر پایه سنت‌های بازمانده از امامان و بخشی دیگر سرچشمه یافته از آثار فیلسوفان اشراقی، مانند سهروردی (۵۵۰-۵۸۷ ه. ق) است که فعالیتش سال‌های دراز در دوره صفوی، تمرکز داشت. این سنت معنوی، به هنگام نوزایی دوره صفوی، رونق درخشانی می‌یابد و جریان فکری اصیلی درپدیده‌ای که مکتب اصفهان نامیده می‌شود ایجاد می‌کند (همان: ۳۴). شناخت عصر صفوی تنها منوط به نظریه حکومتی و جریان‌های فلسفی آن نیست بلکه شناخت معماری و هنر و ادبیات عصر صفوی نیز لازم است.

**۶-۳ ادبیات و معماری**

در اثر توجه پادشاهان صفوی و خلاقیت معماران و شاعران عصر صفوی مکتب اصفهان شکل گرفت و باعث تمایز میان این مکتب با معماری و ادبیات ادوار گذشته گردید. بدون تردید دوره صفوی دوره‌ای است که گسترده‌ترین تغییرات در تمام حوزه‌های شعر و معماری روی داده است (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۳). در این دوره با مطرح شدن اندیشه شیعی در جامعه و رسمیت یافتن تشیع و با وجود تفکرات خاص حاکم بر زمان، از لحاظ علمی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با دوره متفاوتی رو به رو هستیم که تأثیر مستقیمی بر شعر و معماری گذاشته است (طیسی، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

در جریان‌شناسی حاکم بر عصر صفوی می‌توانیم دو جریان غالب شامل جریان‌های ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک را شناسایی نماییم. جریان ایدئولوژیک که جریان غالب بر شعر و معماری عصر صفوی بالاخص دوران ابتدایی آن است به دلیل قرار گرفتن در متن حکومت از بیان آشکارتر و قدرتمندتری برخوردار است.

حکومت واحد و مقتدر شاهان صفوی و تقید آن‌ها به تشیع و توجه آن‌ها به هنر، فرصتی را به وجود آورد تا شعر و معماری در قالب ایده‌های مرتبط با جهان‌بینی خاص آن دوره بروز نماید و شاه عباس به عنوان یک



مسلمان اثنی عشری مومن می‌خواست شهر خود را بر اساس تصویر شهرهای بهشت بنا کند (استرلین، ۱۳۷۷: ۴۱). در دوران شاه عباس اول - نقطه اوج سلسله صفوی - بازخوانی مجدد حکمت ایرانی و جهت‌دهی به باورهای مذهبی منجر به هویت و تشخیص مجدد هنر ایرانی گشت (خاتمی، ۱۳۹۰: ۲۱۲). اصولاً در عهد صفوی و جریان ایدئولوژیک آن سبک معماری و شعر قدیم ایران به علت سال‌های سختی و دوری از هویت و قدرت تحمیل شده از سوی مغولان و تیموریان تجدید شد. برای مثال اغلب بناهای دوره صفوی مانند مساجد، مدارس و کاروانسراها به شکل چهار ایوانی نباشد. استفاده از کاشی معرق و هفت رنگ برای تزئینات فراوانی یافت، به طوری که ساختمان‌های مذهبی این دوره از گنبد، ایوان، طاق‌نما، سردر ورودی و حتی مناره‌ها با کاشی آراسته شد. خطاطی و خوشنویسی روی کاشی نیز در آرایش بناهای مذهبی عمومیت یافت و بناهای متعددی با خطوط ثلث، نسخ، نستعلیق و خطوط دیگر تزئین شد (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

در عرصه ادبیات حکومت صفوی نیز به ادبیات مذهبی اهمیت می‌دهد و مطلوب‌ترین شیوه‌ایی که حکومت صفوی برای آن مقبول است سبک عراقی است که جنبه‌های مذهبی و تعلیمی آن قوی‌تر است و سنت وفادارتر است. به همین خاطر شاعران مرتبط با حکومت مثل محتشم کاشانی و فیض کاشانی و شیخ بهایی و دیگران همان روش گذشته را در اشعار مذهبی بکار می‌برند و صرفاً به تقلید از سبک مولوی و حافظ می‌پرداختند (رنجبر، ۱۳۸۷: ۲۹۱-۲۸۷).

جریانی از شاعران و معماران عصر صفوی، به رغم همه‌ی آن هنر روشنفکرانه‌ایی که در تاریخ هنر ایرانی عرضه می‌کنند به علت نفرت از ایدئولوژی به همه مظاهر ایدئولوژی و جهان‌بینی بی‌اعتنایی می‌نمایند. به طوری که شعر شاعران فارسی زبان به قهوه‌خانه‌ها و اماکن عمومی راه یافت و بر اثر ذوق و زیبایی‌شناسی مردم کوچه و بازار به شکلی جدید ظاهر شد و معماری نیز در عصر صفوی شاهد اوج رونق و شکوفایی آن هستیم از آنجا که معماری و فلسفه پیدایش آن به علت

ظرف زمانی و مکانی آن دیرتر متبلور می‌شود در اواخر دوره صفوی و دوران افشاریه، زندیه و قاجار با شیوه دوره متقدم ادامه نمی‌یابد و با اینکه شیوه دوره صفوی غالب است معماری از نظر زیبایی مانند دوره اولیه صفویه نیست (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۴).

شاخصه اصلی این دوران نیز گرایش هنر و معماری از محتوا به ظاهر و گرایش فرمالیست‌گرایی است. به طور کل می‌توان شعر و معماری ایدئولوژیک با اقتدار حکومتی را در ساختار و محتوا در همسویی وضعیت کامل از سبک عراقی و در معماری سبک آذری دانست درحالی‌که سبک رایج در میان عامه مردم جریان‌های فکری مخالف حاکمیت در شعر و معماری اصفهانی است (شیری، ۱۳۸۹: ۳۳).

#### ۷- مطالعات و بررسی‌ها

#### ۷-۱ بررسی سبک‌شناسی<sup>۳</sup> شعر و معماری عصر صفوی

سبک [SABK] واژه عربی (مصدر ثلاثی مجرد) گذاختن و در قالب ریختن زر و نقره است و پاره نقره گذاخته و قالب‌گیری شده را ((سبکیه)) گویند (URL 1). سبک در لغت به معنای اسلوب، راه، روال، روش، طرز، طریق، طریقه و منوال است (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه ((سبک))) و به طور کلی می‌توان گفت یک وحدتی است که در آثار کسی یا دوره‌ایی به چشم می‌خورد، یک روح، یک ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی یا دوره‌ایی خاص است.

سبک‌شناختی به جنبه‌های فردی اثر هنری یا دوره‌ایی و جریان هنری توجه دارد اما برای آنکه سبک دوره‌ای را مشخص سازد به ناچار باید، از سویی مشترکات آثار دوره‌های دیگر آن‌ها را متمایز سازد (گیلانی، ۱۳۸۶: ۵۲).

سبک پیشتر بیان احساس، یاد لحظه خاص روانی، اجتماعی و تاریخی است تا ویژگی عمومی زبان خاص یک اثر هنری (کاتانو، ۱۱۴). دانش سبک‌شناسی بیشتر به مختصات ظاهری و مباحث صوری و زبان شناختی اثر هنری اعتبار می‌دهد و در این کار معانی، اندیشه‌ها و



درون مایه آثار معماری و ادبی را یکسره نادیده می‌گیرند (درگاهی، ۱۳۸۳: ۳۶).

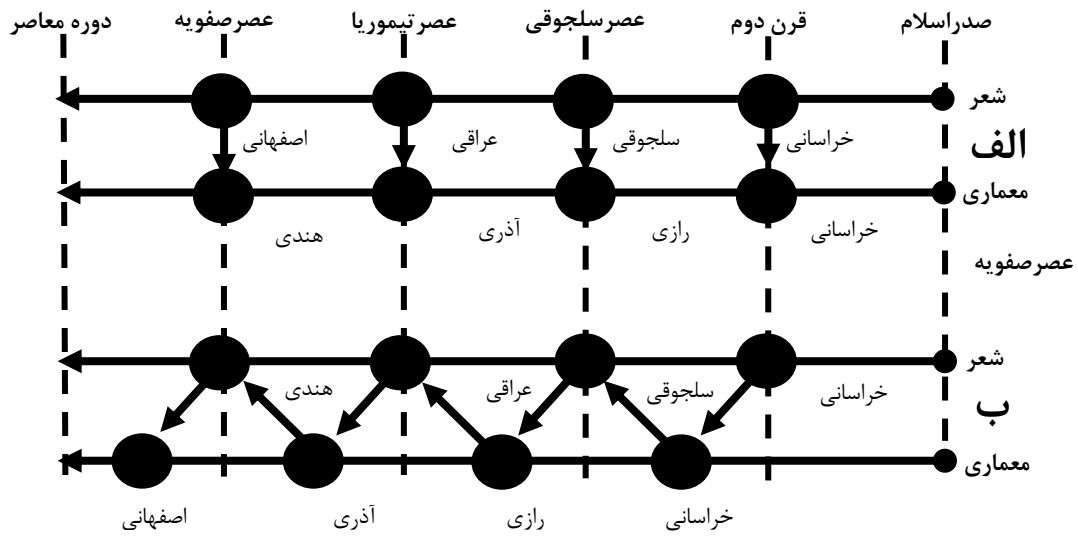
در بررسی و تفکیک سبک‌های سنتی شعر فارسی غالباً بر روی مختصات ظاهری و ویژگی‌های صوری و تفکیکی آن یعنی قوم، زبان، نکته‌های دستوری و شیوه تعبیر بیان و مانند آن انگشت می‌گذارند و از این طریق شعر کلا سبک فارسی را به دوره‌های خراسانی، عراقی و هندی و بازگشت تقسیم می‌کنند. در این تعبیر از سبک‌شناسی هر یک از این دوره‌ها به دلیل برخی از رعایت آداب و هنجارهای دستوری، زبانی و بیانی از یکدیگر فاصله می‌گیرند و اقلیم و محدوده مستقلاً را پدید می‌آورند، در نتیجه هریک از آن ویژگی‌ها و نشانه‌های مختلفی پیدا می‌کنند (همان: ۳۶).

در معماری نیز سبک‌شناسی را از لحاظ استفاده از فرم‌ها، تکنیک‌ها، موارد دوره زمانی، منطقه و سایر چیزهای تأثیر گذار دسته‌بندی می‌کنند. سبک معماری از مطالعه بر روی روند تکاملی تاریخی معماری نشأت می‌گیرد و با آن پدیدار می‌گردد. در تاریخ معماری برای نمونه معماری خراسانی شامل تمامی ابعاد محتوایی و فرهنگی به کار رفته در طراحی و ساخت سازه‌های آن است. از این رو سبک معماری برای دسته‌بندی معماری است که با تأکید بر ویژگی‌های مشخصه طرح، منجر به شکل‌گیری چنین واژگانی چون سبک خراسانی شده است. استاد پیرنیا معماری را دارای شش شیوه پارتی، پارسی، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی (پیرنیا، ۱۳۵۳) دانسته است و بر اساس آنچه از ایشان نقل شده است، این دسته‌بندی با توجه به الهام از شیوه طبقه‌بندی و نام‌گذاری سبک‌های ادبی صورت گرفته است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۰).

میان هنر شعر و معماری شباهت‌های سبک‌شناختی به لحاظ کمی و کیفی وجود دارد. با بررسی این دو حوزه هنری از لحاظ کیفی متوجه می‌شویم که همه هنرهای ایرانی از جمله شعر و معماری در هر دوره تاریخی تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همان دوره هستند. به طور کل می‌توان سبک خراسانی در معماری را متناظر با سبک خراسانی در شعر به حساب

آورد، سبک رازی را متناظر با سبک دوره سلجوقی، شیوه آذری را با سبک عراقی و سبک معماری اصفهانی را با سبک شعر اصفهانی (هندی) قرین دانست. این شباهت‌ها به علت روح مشترک در ارکان گوناگون فرهنگی جامعه در ساحت روح زمانه=روح دوران یعنی وجود شرایط ویژه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به وجود آمده است که با دوره ماقبل و بعد از خود وجوه افتراق و تشابه دارد (خاتون آبادی، ۱۳۹۴: ۴۹ و ۶۲). شاید یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق به لحاظ کمی شکل‌گیری تفاسیر مختلف از نوع اثر هنری است. که یکی از مهم‌ترین آن‌ها فاصله زمانی میان شکل‌گیری آثار هنری دیگر به طور مثال شعر با معماری است (معماریان، ۱۳۹۵: ۲۴۸). که در این رابطه زمان و مکان دو موضوع اصلی هستند. تاریخ شکل‌گیری یک بنا اشاره به دوره‌ای خاص از زندگی انسان دارد. به نظر می‌رسد با نگاه پیوند تکاملی (نگرش- تاریخی و تکاملی) می‌بایست با توجه به ذات دو هنر شعر و معماری به لحاظ زمانی و مکانی شعر را مقدم بر معماری دانست زیرا معماری به واسطه زمان‌بر بودنش مدت زمان بیشتری را برای ظهور مفاهیم حاکم بر جامعه از لحاظ (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) نیازمند است این در حالی است که ادبیات با ویژگی تحت لفظی‌اش زودتر معانی حاکم بر جامعه را بروز می‌دهد و در این مجال سعی می‌شود در کنار بررسی سبک‌شناسی آثار ادبی و معماری عصر صفوی به لحاظ کیفی با مطالعه آثار تاریخی، شکل‌گیری آثار به لحاظ کمی مورد بررسی قرار گیرد.





نمودار ۱. الف: تناظر سبک‌های هنری شعر و معماری ایران پس از اسلام به لحاظ محتوایی. ب: تناظر سبک‌های هنری شعر و معماری ایران پس از اسلام به لحاظ وقوع تاریخی (پیوند تکاملی). (نگارندگان)

### ۸- یافته‌های تحقیق

#### ۸-۱ ساختار شعر عصر صفوی

طبیعی است برای شناسایی سبک‌های عصر صفوی و ارتباط آن با جریان معماری بر پایه پیوند تکاملی و ذاتی دو هنر شعر و معماری و تقدم شعر بر معماری می‌بایست از قبل‌تر به بررسی سبک حاکم بر ایران و جریان‌های تاریخی و گرایش‌های آن تا عصر صفوی و سبک هندی بپردازیم. پیش از شکل‌گیری عصر صفوی از قرن هفتم تا اواخر قرن نهم سبک عراقی بر ایران حاکم بوده است. سبک عراقی به لحاظ تاریخی دوره مغولان، ایلخانیان و تیموریان را در بر می‌گیرد. این سبک دو مختصه مهم و چند ویژگی برجسته دارد که می‌بایست آن‌ها را جداگانه اندکی شرح داد.

- دو مختصه شعر این عصر
- (۱) نفوذ عرفان در شعر (شعر عرفانی)
- (۲) رواج قالب غزل
- ویژگی‌های برجسته:

الف) ایجاد مختصات جدید و زبان و تحول در زبان، زیاد شدن واژگان عربی و کم شدن بسامد مفردات غنی فارسی

ب) اندوه زندگی، درون‌گرایی و واقعیت‌گرایی، به ویژه در رابطه عاشق و معشوق (مقام معشوق تا حد معبود بالاست)

ت) خودگزینی و فلسفه‌ستیزی

ث) آرمان‌گرایی

ج) جای‌گزینی ظرفیت هنری به جای صلابت و ضخامت ادبی

از جمله شاعران این سبک می‌توان به سه شاعر طراز اول تاریخ ادبیات فارسی سعدی، مولانا و حافظ اشاره کرد. همواره بین دو سبک حد واسطی وجود دارد زیرا اولاً باید تربیت شدگان دوره قبل کاملاً از بین بروند و از طرفی تربیت شدگان دوره جدید نمود یابند. ثانیاً اوضاع و احوال اجتماعی به تدریج تغییر کند. در حد واسط شکل‌گیری سبک عراقی تا سبک اصفهانی حدود ۱۰۰ سال مکتبی به نام مکتب وقوع جریان دارد. در قرن دهم هجری، دو جریان شعری وجود داشت: یکی همان شعر لطیف و فصیح و روان بابافغانی بود که به صورت طبیعی شعر حافظ را به لحاظ رفعت مکانی و ظرافت به سوی سبک هنری می‌کشاند و دیگری مکتب وقوع بود که اولاً حاصل چاره‌اندیشی شاعران





جهت تغییر سبک و رهایی از تقلید و ابتدال بود و ثانیاً بازتاب محیط اجتماعی قرن دهم محسوب می‌شود.

مکتب وقوع در ربع قرن دهم شکل و در نیمه دوم همان قرن و تا ربع اول قرن یازدهم ادامه داشت. اساساً این مکتب، بیان توضیحات واقعی از عاشق و معشوق و رابطه آنهاست. شعر مکتب وقوع دنباله سبک عراقی است اما در زبان سهل‌انگارتر و از نظر ادبی به مسائل بدیعی و بیانی بی‌توجه است. برخی از شاعران مکتب وقوع مثل محتشم بعدا مداحان شاهان صفوی یا اهل بیت شدند به طور کلی مختصات شعر مکتب وقوع شامل:

(الف) به لحاظ زبانی: زبان فصیح و بلیغ، بی‌توجه به زبان و وقوع لغات عامیانه و عدم توجه به درستی جملات و ترکیبات آن.

(ب) به لحاظ فکری: بیان مطالب جزئی و حالات عشق و معشوق در ماجراهای عاشقانه

(پ) از نظر ادبی: ساده است و چندان بدیع و بیان نیست. غالب غزل است.

اما با روی کار آمدن صفویه و انقلاب اجتماعی دیگر در ایران زمینه برای تغییر سبک عراقی و مکتب وقوع فراهم گردید. در این عصر تغییر مذهب و رواج شیعه از عوامل مهم تغییر تفکر و بیان تغییر سبک است. ایران در زمان صفویه تجدید حیات کرد و به عظمت و رفاه اقتصادی رسید. در این دوران سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم به مدت ۱۵۰ سال در ادبیات فارسی ایران رواج داشت.

شاعران سبک هندی دو گونه‌اند: یکی امثال صائب، کلیم و حزین است که ادبیات آنان قابل فهم، معقول و لطیف است. ثانیاً ادبیات آنان با سبک قدما ارتباط موضوعی دارد. دوم شاعرانی هستند که معمولاً معروف نیستند و سبک هندی را به سوی افول بردند. اول بنای شعر آنان به تک بینی و دوم بسامد ادبیات هندی در آن بسیار زیاد است و ثانیاً رابطه دو مصراع آنان دشوار است و آنان در زبان سهل‌انگارانه‌تر هستند. بیدل دهلوی، محمدقلی سلیم و امیر شهرستانی و قدوسی از این گروه

محسوب می‌شوند. از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مختصات سبک اصفهانی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

(الف) با ورود واژگان محاوره‌ای، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عامیانه زبان شاعران زمان کوچه و بازار می‌شود.

(ب) به لحاظ معنایی، بدیع و نواست ولی همسنگ سبک‌های قبل از خود نیست.

(پ) قالب اصلی این شعر غزل است اما از بهم پیوستن تک بیتی‌های مستقل تنها عامل پیوند ادبیات قافیه و ردیف است نه موضوع

(ت) بسامد به کارگیری صنعت تشخیص زیاد است.

(ث) واقع‌گرایی

(ج) نازک خیالی بر پایه تفکر هندی

(چ) اغراق

به لحاظ زمانی شاعرانی که شعرشان را می‌توان در عصر صفوی مورد بررسی قرار دارد که هر کدام به جهتی از اهمیت خاصی برخوردار هستند عبارتند از:

۱. جامی (۸۱۷-۸۹۸)
۲. باباعانی (م. ۹۲۵)
۳. نظیری نیشابوری (م. ۱۰۳۲)
۴. عرفی شیرازی (۹۶۳-۹۹۹)
۵. ظهوری ترشیزی (م. ۱۰۲۶)
۶. طالب آملی (۱۰۳۵ یا ۱۰۳۶)
۷. یکم کاشان (م ۱۰۶۱ یا ۱۰۶۲)
۸. صائب تبریزی (م ۱۰۸۶ یا ۱۰۸۷)

عبدالرحمن جامی گرچه در شمار شاعران سبک اصفهانی نیست اما در روند تاریخی عصر صفوی مورد توجه است. بابا فغانی اولین شاعری است که از شعر عصر تیموری انحراف حاصل کرده است. صائب تبریزی در نقطه اوج سبک اصفهانی است (حسن پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۲۱ و ۲۰). در جدول (۴) شاعران عصر صفوی براساس اصول سبک اصفهانی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این جدول به خوبی نشان داده می‌شود که صائب تبریزی نمونه برجسته و مثل اعدادی سبک اصفهانی است و جامی جدای از دیگران شاعران این سبک است.

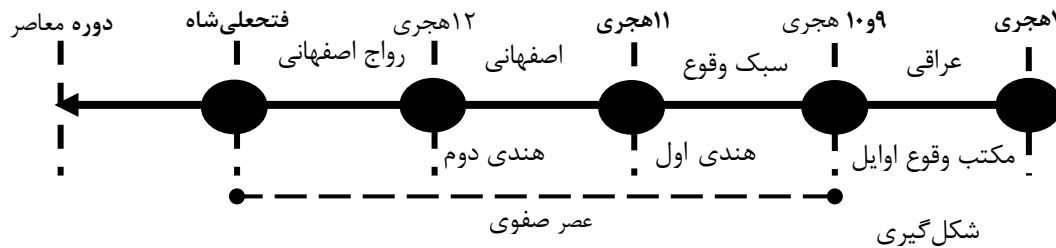


جدول ۳- ویژگی‌های شعر و اصول منبعث از آن بر پایه اصول ساختاردهنده سبک عراقی. (نگارندگان)

اصول منبعث	ویژگی‌ها	اصول ساختار دهنده
تحول و دگرگونی نسبت به گذشته	* زبان سبک عراقی مابین زبان کهن خراسانی و زبان جدید سبک هندی بوده است. مهم‌ترین مختصات زبانی سبک عراقی در هم آمیختگی مختصات کهن و جدید است.	زبانی
آرمان‌گرایی عظمت‌گرایی سیر از سادگی به سمت تکلف	* در این سبک رواج عرفان و آرمان‌گرایی به لحاظ فکری مورد توجه بوده است. * اگر شعر عاشقانه باشد معشوق بسیار والا است و گاه تا معبود می‌رود. اگر عرفان نباشد از شرع، پند و اندرز و اخلاق به مسائل مهم عرفان چون وحدت وجود و .. می‌پردازد. * حرکت از سادگی به سوی تکلف در کاربرد آرایه‌های ادبی و نیز مواد و مصالح شعر	فکری
توجه زیاد به تزئینات شعری رعایت اصول ساخت ادبی ظرافت هنری	* توجه به بیان و بدیع بودن زیاد است و به ارائه‌های ادبی بسیار توجه می‌شود. * رعایت قالب مسلط در این دوره به صورت غزل * توجه به ظرافت‌های ادبی در ساخت شعر	ادبی

جدول ۴- ویژگی‌های شعر و اصول منبعث از آن بر پایه اصول ساختاردهنده سبک اصفهانی. (نگارندگان)

اصول منبعث	ویژگی‌ها	اصول ساختار دهنده
* مردم‌گرایی و واقع‌گرایی * تحول در لغات و کلمات (مواد و مصالح) که منجر به ضعف اثر هنری شده است. * واقع‌گرایی	* روی آوردن طبقات مختلف مردم به شعر که عمدتاً تحصیلاتی نداشتند باعث شد زبان کوچه و بازار به شعر اضافه شود. * وسعت واژگان شعر گسترش یافته است و بسیاری از لغات قدیم از شعر حذف شده است و زبان جدید فارسی شکل گرفته است. * زبان اصفهانی زبانی واقع‌گرا و زبان حقیقی مردم است.	زبانی
* تنوع‌طلبی * کم شدن شکوه هنری * دیرپای بودن	* کوشش شاعران سبک اصفهانی مضمون‌یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است یعنی تفکر جزئی اما تازه. * شعر اصفهانی به دنبال مضمون‌سازی است و از هر چیزی در عالم طبیعت با ذهن استفاده می‌کند اما همه این‌ها در سطح هستند. * ابهام و پیچش سبک اصفهانی معنا و مفهوم شعر را برای خواننده دیرپای می‌کند.	فکری
* عدم پایداری به ساختار شعر اصیل * ساده انگاری و هرج و مرج در ظرایف ادبی	* قالب مسلط در این شعر غزل است غزلی که حد و حدود ندارد * در سبک اصفهانی چندان به بدیع بودن و بیان توجه نمی‌شود و تنها به صورت طبیعی و تصادفی بهره‌گیری می‌گردد.	ادبی



نمودار ۲. بازه تاریخی سبک شعر فارسی در عصر صفوی. (نگارندگان)



## ۸-۲ ساختار معماری عصر صفوی

به لحاظ سبک‌شناسی؛ سبک‌های حاکم بر عصر صفوی را می‌بایست آخرین شیوه‌های معماری ایران دانست. ریشه شکل‌گیری سبک‌های عصر صفوی متأثر از دوره ایلخانیان و تیموریان و سیر منظم و تکاملی آن است که ما آن را شیوه آذری می‌نامیم. این شیوه دو دوره دارد. دوره نخست آن از زمان هلاکوخان و پایتخت شدن مراغه و دوره دوم از زمان تیموری به پایتختی سمرقند آغاز می‌شود. در دوره تیموری در مرحله نخست انواع جدید بنا، تکمیل اقسام پیشین، تزیین و انواع تاق‌زنی جلوه می‌کند. هرچند در این دوره طرح چهار ایوانی کم‌تر متداول است و بسیاری از مساجد ایوان‌های کم‌تری دارند اما شهرسازی به معنای واقعی کلمه آغاز می‌شود. در این عصر (( مجموعه‌های شهری )) بر اساس یک میدان باز فراوان یافت می‌شود و بیش‌تر بناها طوری طرح‌ریزی شده است که از بناهای اطراف خود جدا و مشخص باشد و سطح نمای آن با کاشی پوشیده شده است (دیباج، ۱۳۹۵: ۸۴ و ۸۵). در سیر تکاملی این معماری در حد وسیعی آغاز می‌شود، توسعه میدان‌ها، مساجد زیبا، بازارهای بزرگ، بناهای اقتصادی و مذهبی و غیرمذهبی، ایده باغ شهر، فضای سبز به صورت چهار باغ نمود می‌کند. در دوران شاه عباس صفوی با تکرار عظمت نمادین معماری کلاسیک باستان ایران و به کارگیری الگو و قالب‌های متروک و ارزنده آن در مقیاس وسیع شاهد شکوه خیره‌کننده معماری هستیم. ساخت کاخ‌های باشکوه، پل‌ها، احیای مجدد باغ، کشف الگوهای تازه معماری و معماری شهری با تناسبات برتری جویانه از وجوه مشخص و بارز معماری این دوران است. وجود بناهایی مانند هشت بهشت، عالی قاپو و چهل ستون برتری جویی مذهبی، موضوعات معماری را بر پایه اقدامات کاربردی و کامیابی‌های بشری استوار می‌سازد.

به طور کل به لحاظ سبک‌شناسی معماری عصر صفوی را می‌توان به دو سبک، یکی در مسیر منظم و تکاملی و نقطه اوج سبک آذری و پیوند آن به ایدئولوژی عصر صفوی و بازگشت به هویت ایرانی و دیگری را برگرفته

از نگاه مردم به سبک اصفهانی تعبیر نمود که جریان تاریخی آن کمی پیش از روی کار آمدن صفویان و از زمان قراقویونول‌ها آغاز می‌شود و در پایان روزگار محمد شاه قاجار دوره نخست آن به پایان می‌رسد و دوره دوم آن که از زمان انحطاط آن است از زمان افشاریان شروع و تا پایان قاجاریه ادامه می‌یابد. هرچند به لحاظ سبکی در دوره دوم سبک جدیدی در معماری ایران زاییده نمی‌شود و معماران این سلسله‌ها (افشاریه، زندیه، قاجاریه) دنباله‌روی معماری صفویه هستند ولی معماری ایران فقیرتر از معماری عصر صفوی است و به واسطه ارتباط بیش‌تر ایران با غرب، معماری ایران با معماری غربی در هم می‌آمیزد. به لحاظ شکلی می‌توانیم به ایجاد سرسرا و پلکان ورودی در آن، پاگرد دوشاخه در جهت متقابل یکدیگر، اشکال معماری خارجی با تزئینی ایرانی از قبیل کاشی‌کاری، آینه‌کاری، گچ‌بری و ... ایجاد زمین‌ها با طرح‌های زیبا، تعبیه حوض‌خانه، بادگیرها، احداث تالارهای بزرگ اشاره نماییم. در جداول (۵) و (۶) به ویژگی‌های سبک‌های آذری و اصفهانی در عصر صفوی اشاره شده است (برگرفته از پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۸۵-۲۰۶). همچنین به لحاظ تاریخی، بناهای شاخص ساخته شده در بازه زمانی مورد نظر را می‌توان با ویژگی‌های سبک‌شناختی آن در الگوهای دسته‌بندی شده مشخصه هر سبک در جدول (۷) بیان نمود.

به طور کلی ساختمان‌های عصر صفوی فراوان و در سراسر ایران پراکنده‌اند که به برخی از ساختمان‌های ارزشمند دوره اول آن می‌توان به مسجد کبود تبریز در میانه‌ی دوم شیوه آذری و آغاز اصفهانی و مسجد شاه ولی تفت، درب امام اصفهان از زمان قراقویونلوها، کاخ شاه طهماسب در باغ جعفرآباد قزوین، ارسن نقش جهان اصفهان، مدرسه چهار باغ، کوشک هشت بهشت در اصفهان و ارسن گنجعلی‌خان در کرمان اشاره نمود. از دوره دوم نیز که پیش از انحطاط برجای مانده‌اند به ارسن ابراهیم خان، ارسن وکیل، ارگ کریم‌خان، باغ ارم و ... می‌توان اشاره کرد.



جدول ۵- ویژگی‌های معماری و اصول منبعث از آن بر پایه اصول ساختاردهنده سبک آذری. (نگارندگان)

اصول منبعث	ویژگی‌ها	اصول ساختار دهنده
<p>*تحول در طراحی از طریق به کارگیری هندسه قوی و پیمون‌بندی و عناصر یکسان نسبت به گذشته و آرمان‌گرایی</p> <p>*عظمت‌گرایی</p>	<p>*به علت ساخت ساختمان‌های متعدد با کاربردی متنوع و شتاب در ساخت به پیمون‌بندی و بهره‌گیری از عناصر یکسان روی آوردن.</p> <p>*بهره‌گیری از هندسه در طراحی گوناگون طرح‌ها و بهره‌گیری از هندسی در نهاز و نخیر</p> <p>*احداث ساختمان در اندازه‌های بزرگ نسبت به گذشته</p>	معماری
<p>*ظرافت بناها در ساخت و رعایت اصول ساخت</p>	<p>*به کارگیری انواع چفدها از جمله چفد چمانه و کلیل آذری و انواع روش‌های ساخت گنبد و انواع تاق از جمله آهنگ، کلنبو، توزیه، انواع روش‌های ساخت هنری</p>	نیارش
<p>*توجه زیاد به تزئینات بنا نسبت به گذشته و افزایش کیفیت</p> <p>*حرکت از سادگی به تکلف در تزئینات بناها و مصالح</p>	<p>*جدا سازی زبره از نما و نماسازی بعد از سفت کاری</p> <p>*نماسازی با آجر، گره‌سازی آجری، گچ اندود، نقاشی، گره‌سازی همراه با کاشی، استفاده از کاشی لعابدار با سفال نگارین، کاشی تراش با معرق کاشی هفت‌رنگ و کاشی خشتی.</p>	آرایه‌ها

جدول ۶- ویژگی‌های معماری و اصول منبعث از آن بر پایه اصول ساختاردهنده سبک اصفهانی. (نگارندگان)

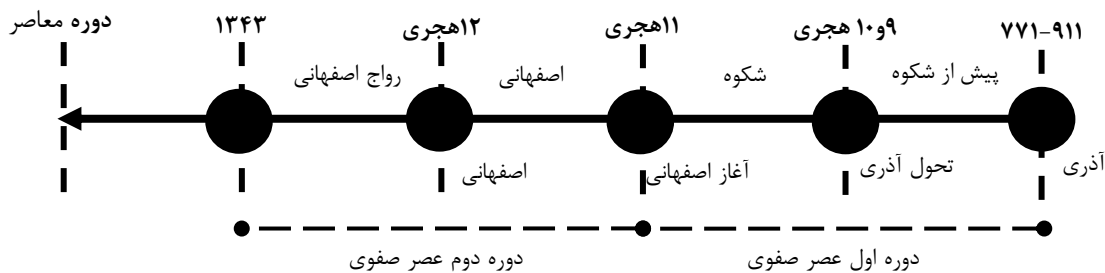
اصول منبعث	ویژگی‌ها	اصول ساختار دهنده
<p>*هندسه ساده و واقع‌بین و مردم‌وار</p> <p>*کم‌خوانایی</p> <p>*کم شدن شکوه و عظمت و مردم‌واری</p>	<p>*ساده شدن طرح‌ها با وجود فضاهاى چهار پهلو یا مستطیل شکل</p> <p>*هندسه ساده با شکل‌ها و خطوط شکسته</p> <p>*به کارگیری نهاز و نخیر (پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی) کم‌تر و ایجاد پخ در گوشه‌ها</p> <p>*استفاده از پیمون و بهره‌گیری از اندام‌ها و اندازه‌های یکسان</p> <p>*پیچیدگی در روابط فضایی و مسیرهای حرکتی در فضاهاى داخلی و خارجی</p>	معماری
<p>*تنوع‌طلبی</p> <p>*عدم پایبندی به اصول ساخت و رعایت ظرافت‌کاری آن</p>	<p>*در این شیوه هرگونه تاق و گنبد ساخته می‌شود و گنبدهای گسسته میان تهی نیز در بیش‌تر ساختمان‌های این شیوه به زیبایی دیده می‌شوند. همچنین همه آموزدهای شیوه‌های پیشین مورد استفاده قرار گرفت.</p> <p>*عدم دقت و استفاده بدون حساب و کتاب از گنبدها و طاق‌ها در دهانه‌های مختلف، آزادی بی‌حساب در نهادن جزرها و ستون‌های باربر روی تاق‌های زیرین، شجاعت زیاد در پوشش‌ها با به کارگیری گنبد و یا کلاه فرنگی‌ها و ....</p>	نیارش
<p>*حرکت از تکلف به ساده‌انگاری</p> <p>تزئینات در حین بهره‌مندی از روش‌های جدید و تحول در آن با کاهش کیفیت</p>	<p>*بهره‌گیری از روش‌های جدید در تزئینات از جمله استفاده از آجر و چوب خمیده، ملات گچ به جای چارو و استفاده از کاشی با رنگ‌های مختلف از خانواده آبی، زرد، قرمز و قهوه‌ای</p>	آرایه‌ها



جدول ۷- بررسی اصول منبعث از سبک آذری و اصفهانی بر ابنیه‌های ساخته شده در بازه تاریخی سبک‌های معماری عصر صفوی (نگارندگان)

سبک	اصول											سال (ه.ش)	بناها					
	آرایه‌ها			نیارش			معماری											
	کیفیت زیاد مصالح	کیفیت کم مصالح	ساده‌نگاری و هرج و مرج	تکلف در تزئینات	تنوع طلیبی	عناصر یکسان	عدم پایداری به اصول ساخت	رعایت اصول ساخت	پیچیدگی	باقاعده و پیچون	عظمت‌گرایی	مردم‌گرایی	آرمان‌گرایی	واقع‌بینی	هندسه قوی	هندسه ساده		
آذری	•	-	-	•	-	•	-	•	-	•	•	-	•	-	•	-	۸۷۰	مسجد کبود تبریز
تحول آذری	•	-	-	•	-	•	-	•	-	•	•	-	•	-	•	-	۹۵۵	درب امام اصفهان
شکوه آذری	•	-	-	•	-	•	-	•	-	•	•	-	•	-	•	-	۹۶۶	چهلستون قزوین
شکوه آذری	•	-	-	•	-	•	-	•	-	•	•	-	•	-	•	-	۱۰۲۸	مسجد شیخ لطف‌الله
شکوه آذری	•	-	-	•	-	•	-	•	-	•	•	-	•	-	•	-	۱۰۸۰	کاخ هشت بهشت
افول آذری	•	-	-	•	-	•	-	•	-	•	•	-	•	-	•	-	۱۱۱۲	مدرسه چهارباغ اصفهان
آغاز اصفهانی	-	•	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	•	۱۱۵۰	کلات نادری
اصفهانی	-	•	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	•	۱۱۹۳	مجموعه وکیل
اصفهانی	-	•	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	•	۱۲۴۰	مسجد امام تهران
اصفهانی	-	•	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	•	۱۲۹۶	مسجد شهید مطهری
اصفهانی	-	•	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	-	•	•	۱۳۰۹	باغ شاهزاده ماهان کرمان

دو فصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال پنجم، شماره نهم — بهار و تابستان ۱۴۰۰



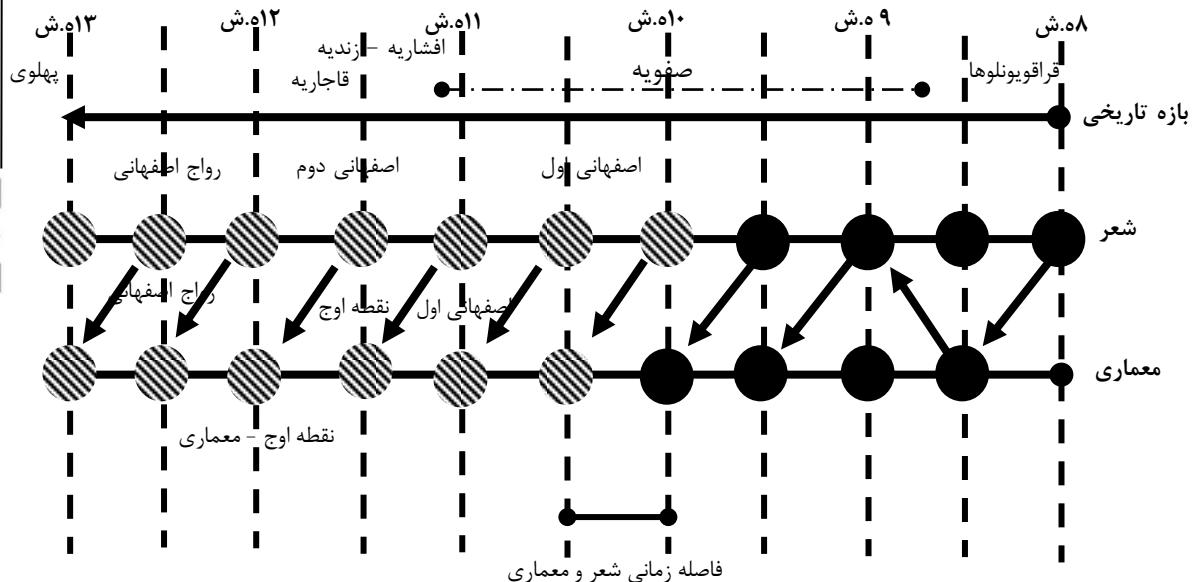
نمودار ۳. بازه تاریخی سبک‌های معماری عصر صفوی (نگارندگان)

در جدول (۸) نکات مورد نظر پژوهش و نتایج آن به همراه مقایسه عناصر سازنده سبک‌شناسی عصر صفوی و هنر و معماری آن آورده شده است.

جدول ۸- بررسی و مقایسه تطبیقی مکاتب و سبک‌های ادبی و معماری عصر صفوی (نگارندگان)

جریان فکری و سیاسی	مکاتب هنری	سبک هنری	بازه تاریخی (ش.ه)	ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی	عناصر سبک‌شناسی	مکتب فکری
ایدئولوژیک	شعر	عراقی	۱۰-۸	بازگشت به سنت‌ها و هویت ایرانی و ملی	تحول‌گرا- آرمان‌گرایی- عظمت‌گرایی- حرکت از سادگی به تکلف- ظرافت هنری	محتواگرا
	معماری	آذری	۱۱-۹	بازگشت به سنت و هویت ملی و ایرانی و استفاده از نمادهای اساطیری	هندسه قوی- عناصر یکسان- عظمت‌گرایی- آرمان‌گرایی- ظرافت و ساخت- توجه زیاد به تزئینات- حرکت از سادگی به تکلف	محتواگرا
غیر ایدئولوژیک	شعر	اصفهانی	۱۳-۱۰	گرایش به ادبیات عام و محاوره	مردم‌واری- واقع‌گرایی- واقع‌گویی- تحول در لغات- تنوع‌طلبی- کم‌شدن شکوه هنری- ساده‌انگاری و هرج و مرج	صورت‌گرا
	معماری	اصفهانی	۱۳-۱۱	تحت تاثیر نگاه‌های مردم و هنر عامه پسند	هندسه ساده- مردم‌واری- کم‌شدن شکوه هنری- تنوع‌طلبی- کیفیت پایین- ساده‌انگاری در تزئینات	صورت‌گرا

در نمودار (۴) روند تاریخی و تکاملی عصر صفوی در شعر و معماری بیان گردیده است.



نمودار ۴. بازه تاریخی سبک‌های شعر فارسی و سبک‌های معماری در عصر صفوی (نگارندگان)



## ۹- نتیجه تحقیق

در این مقاله به بررسی عناصر سبک‌شناسی شعر فارسی و مقایسه تطبیقی آن با عناصر معماری در دوره صفوی پرداخته شده تا تغییرات و تحولات مختلف، اثرپذیری و اثرگذاری سبک‌های حاکم بر معماری و شعر در آن دوره تاریخی شناسایی و میزان همانندی و ارتباط مشترک میان عناصر به‌دست آید.

در جریان شناختی حاکم بر عصر صفوی به طور کل دو جریان غالب ایدئولوژیک و نیز غیر ایدئولوژیک حضور دارد. جریان ایدئولوژیک جریان غالب به شعر و معماری عصر صفوی بالاخص دوران ابتدایی آن است. در جریان ایدئولوژیک سبک معماری و شعر قدیم ایران به علت جنگ‌های فراوان و دوری از هویت، تجدید شد. جریان ایدئولوژیک بر پایه عرفان، اشراق و تشیع به سنت‌ها بازگشت که شاخصه اصلی آن تمرکز بر موضوع و محتوا بوده است. در همین عصر تأثیر عملکرد حکومت ایدئولوژیک تدریجاً در بازه زمانی و به مرور زمان ایدئولوژی از سوی مردم با کاهش علاقه و اعتماد رو به‌رو شد و فقر جهان‌بینی در همه آثار نمودار گردید. در این دوران گرایش هنر و معماری از محتوا به ظاهر و گرایش فرمالیست‌گرایی است. به طور کلی می‌توان شعر و معماری ایدئولوژیک را در ساختار و محتوا همسو با سبک عراقی در شعر و سبک آذری در معماری دانست. این در حالی است که سبک رایج عامه مردم، جریان‌های فکری مخالف حاکمیت در شعر و معماری عصر صفوی است.

به طور کلی به لحاظ سبک‌شناسی معماری و شعر، عصر صفوی را می‌توان به دو سبک، یکی در مسیر منظم و تکاملی و نقطه اوج سبک آذری یا عراقی و در پیوند با ایدئولوژی عصر صفوی و بازگشت به هویت ایرانی و دیگری را برگرفته از نگاه مردم به سبک اصفهانی تعبیر نمود. شایان ذکر است در بررسی تاریخی و با نگاه تکاملی (نگرش تاریخی و تکاملی) به لحاظ زمانی و مکانی، شعر مقدم بر معماری است؛ در این تعریف شعر حداقل ۵۰ سال قبل از معماری شکل گرفته است. امید است در پژوهش‌های آتی، این مقایسه تطبیقی و تأثیر

متقابل معماری و شعر، در بازه‌های زمانی دیگر مثلاً قاجار، پهلوی و تا کنون انجام شود. همچنین مفاهیم مدرن یا پست مدرن می‌تواند در این مقایسه تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد.

## ۱۰- تشکر و قدردانی

موردی از طرف نویسنده ارائه نشده است.

## ۱۱- پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک. عبدالحمید نقره‌کار و محمدعلی رنجبر کرمانی، ۱۳۸۹، روش پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی

۲. Safavid Era

۳. Stylistics

## ۱۲- منابع فارسی و لاتین:

- استرلین، هنری. ۱۳۷۷. اصفهان: تصویر بهشت، ترجمه: جمشید ارجمند. تهران: نشر فروزان روز.
- اسماعیلی، مراد. ۱۳۹۵. بررسی چگونگی و چرایی نگاه متفاوت شاعران سبک اصفهانی به عناصر اسطوره‌ای. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی (۴۵): ۱۱-۳۳.
- بلخاری قهپی، حسن. ۱۳۸۸. اورنگ، مجموعه مقالات درباره مبانی نظری هنر. تهران: انتشارات سوره مهر.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۵۳. کتاب هنر دوره دبیرستان. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- حسن‌پور آلاشتی، حسین. ۱۳۸۴. طرز تازه سبک‌شناسی غزل سبک هندی. تهران: سخن.
- خاتمی، محمود. ۱۳۹۰. پیش درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی. ویرایش فنی عباس رکنی. تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)
- خاتون‌آبادی، افسانه. ۱۳۹۴. مقایسه سبک‌شناسی معماری مساجد ایرانی و شعر فارسی. پژوهش‌های معماری اسلامی (۹): ۴۹-۶۶.



- درگاهی، محمود. ۱۳۸۳. جایگاه معنی در سبک‌شناسی شعر فارسی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز (۱۹۳): ۳۵-۴۹.
- دیباج، سیدموسی. ۱۳۹۵. شعور تاریخی معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رنجبر، ابراهیم. ۱۳۸۷. دو تأثیر شریعت بر شعر فیض‌کاشانی. مجموعه مقالات ادبیات. گردهمایی مکتب اصفهان. جلد اول. تهران: فرهنگستان جمهوری اسلامی ایران. (ص. ۲۸۵-۲۹۸).
- زمانی، هاجر. ۱۳۸۷. تأثیر پذیری تزئینات کلیساهای اصفهان از معماری دوره صفوی. دو فصلنامه هنر اسلامی (۸)
- سامه، رضا. ۱۳۹۶. راهنمایی تدوین پایان نامه برای دانشجویان معماری. قزوین: انتشارات جهاددانشگاهی.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۹۱. نقدی کوتاه بر کتاب سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: انتشارات چهار طاق.
- سمیعی گیلانی، احمد. ۱۳۸۶. مبانی سبک‌شناسی شعر. ادب پژوهی (۲): ۴۹-۷۶
- شایسته‌فر، مهناز. ۱۳۸۴. هنر شیعی. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شایسته‌فر، مهناز. ۱۳۸۸. تعامل معماری و شعر فارسی در بناهای عصر تیموری و صفوی. مطالعات هنر اسلامی (۱۱): ۷۹-۱۰۴.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۲. شعور تاریخی معماری ایران. تدوین و گردهمایی: غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- شبیری، قهرمانی. ۱۳۸۹. پیچیدگی‌های سبک اصفهانی یا هنری و زمینه‌های پیدایش آن. پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (۱): ۳۱-۴۸.
- طبسی، محسن و فاضلی‌نسب، فهمیده. ۱۳۹۱. بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان. هنرهای زیبا (۳): ۸۱-۹۰.
- طبسی، محسن. ۱۳۸۶. شناسایی و تحلیل موثر بر تغییرات کالبدی و عملکرد معماری گرمابه‌های ایران در دوره صفوی. پایان نامه دکتری پژوهش هنر. دانشگاه تربیت مدرس.
- فضیلت، محمود. ۱۳۹۱. سبک اصفهانی در ترازوی نقد تاریخی. پژوهشنامه نقد ادبی (۱): ۱۲۷-۱۴۲.
- کاتانو، جیمزو. سبک‌شناسی. ترجمه فرزین آبادی. نامه فرهنگستان هنر (۷): ۱۱۲-۱۲۱.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۸۸. تاریخ هنر معماری ایران در دوره‌های اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- لغت‌نامه دهخدا. ۱۳۷۳. به کوشش علی اکبر دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- مزاولی، میش‌ل. م. ۱۳۸۵. پیدایش دولت صفوی در ایران. ترجمه: یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: نشر گستره.
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۹۵. سیری در مبانی نظری معماری. تهران: ناشر مولف.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و ابراهیمی، رویا و مهبادی، فاطمه. ۱۳۹۰. بررسی عناصر رمانتیک در ادبیات و معماری. پژوهش هنر (۱): ۱۷-۳۱.
- نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی. تهران: انتشارات حکمت.
- نقره‌کار، عبدالحمید و رنجبر کرمانی، محمد علی. ۱۳۸۹. روش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۷. حکمت اسلامی در فرایندهای هنری و معماری - مجموعه مقالات مشترک (۱). قزوین: انتشارات جهاددانشگاهی.
- نوایی، عبدالحمید و غفاری فرد، عباسقلی. ۱۳۸۱. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه. تهران: انتشارات سمت.

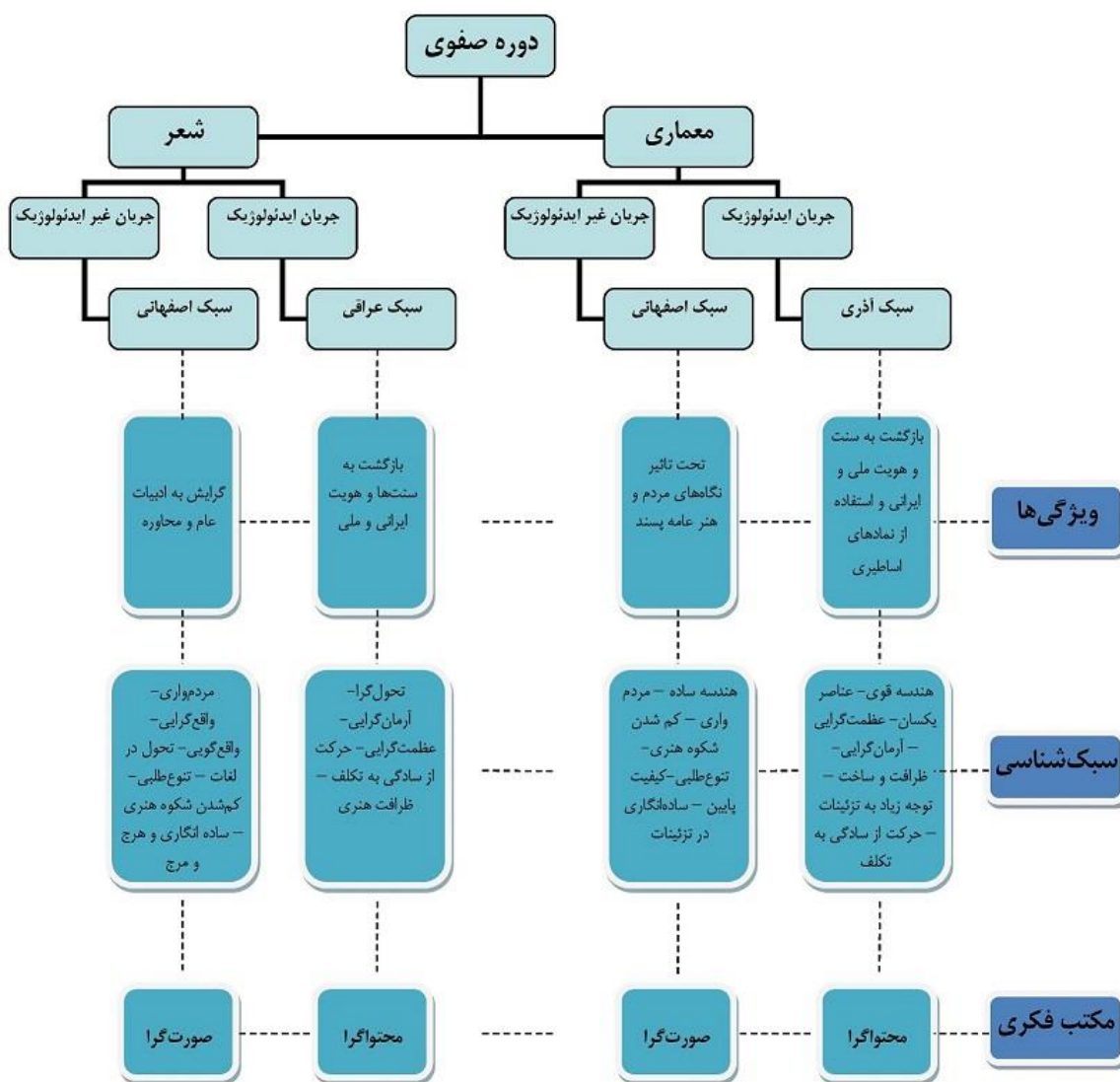
URL 1:

<http://wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%A8%DA%A9%E2%80%8C%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C> (access date: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰)





### ۱۳- چکیده تصویری



بررسی و مقایسه تطبیقی مکاتب و سبک‌های ادبی و معماری عصر صفوی

دو فصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال پنجم، شماره نهم  
بهار و تابستان ۱۴۰۰

